

ناصر پایدار

## اتحادیه های کارگری جهان و محاکمه کارگران در ایران

روزنامه ها و مطبوعات گروههای چپ ایرانی در خارج کشور با عناوین درشت از اعتراض اتحادیه های کارگری دنیا به دستگیری و محاکمه ۷ فعال جنبش کارگری ایران سخن می رانند! خبرها مسلماً صحت دارند، در طول پنج ماه اخیر شمار زیادی از سندیکاها و سازمانهای کارگری حتی اتحادیه های بزرگی مانند اتحادیه سراسری کارگران انگلیس، اتحادیه کار کانادا، سازمان سراسری کارگران سوئد، CGT فرانسه، سازمان سراسری کارگران نروژ، سندیکای کارگران برن سوئیس و از همه مهمتر «کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آزاد جهان» ICFTU هر کدام با صدور اطلاعیه یا ارسال نامه و بعضاً نامه هائی، خطاب به سران رژیم اسلامی مراتب نارضائی خویش از محاکمه فعالین جنبش کارگری ایران را ابراز داشته اند. صدور این یادداشتها یا نامه ها حاصل تلاش متفرق یا دستجمعی کل گروهها و محافل چپ ایرانی در خارج بوده است. به بیان دیگر تمامی صدر و ذیل تأثیرگذاری فعالین کارگری خارج کشور در رابطه با حادثه دستگیری و محاکمه رفقای کارگر ایرانی در جلب موافقت سران اتحادیه ها برای صدور همین نامه ها خلاصه می شود. در اینجا دو پرسش بسیار اساسی مطرح می گردد.

اولاً. برد تأثیر موضعگیریها و نقد و انتقادات این اتحادیه ها در رابطه با بیدادگاههای دولت سرمایه داری و فرجام کار رفقای ما تا کجا بوده است؟ و اساساً تا کجا می تواند باشد؟ ثانیاً اینکه آیا توسل به این نهادها امر مقدر و تنها طریقی حمایت و هم‌رزمی فعالین خارج با جنبش کارگری ایران است؟! آیا راههای موفق تر، مؤثرتر و نتیجه دارتری در پیش پای ما موجود نیست؟؟ اگر هست کدامند و چگونه باید آنها را پی گرفت؟

در جواب نخستین سؤال باید اذعان کرد که رجوع به اتحادیه ها مطابق معمول هیچ نتیجه ای در تغییر معادلات قوا به نفع کارگران و به زیان بورژوازی به بار نیاورده است و عریضه نویسی سران آنها تأثیر تعیین کننده ای بر روند محاکمه رفقای ما در بیدادگاههای رژیم اسلامی بر جای نگذاشته است. دولت سرمایه داری نه فقط این عریضه ها و از جمله عریضه رئیس آی - سی - اف - تی - یو، را شایسته هیچ پاسخی ندیده است، نه تنها به درخواست او در زمینه اجازه حضور وکلا و حقوقدانان بین المللی در بیدادگاهها هیچ وقعی ننهاده است که از همه بدتر شکل تازه ای از هتک حیثیت انسانی فعالین کارگری را وارد کارنامه سراسر توحش و بشر ستیزی خود ساخته است. دو ماه تمام است که آنها این هفته و آن هفته همراه با جمع وکلای ایرانی با تحمل هزینه های گزاف، در ساعات از پیش اعلام شده رژیم آماده حضور در بیدادگاهها میشوند اما کارکنان سیستم حقوقی!! سرمایه می گویند که قضات!!! وقت محاکمه آنان را ندارند!!!

حادثه اول ماه مه و دستگیری و تعقیب رفقای ما، حلقه معینی از مصاف میان پرولتاریا و بورژوازی است. هر نوع موفقیتی در کار آزادی این فعالین نیازمند به میدان کشیدن نیروی پیکار طبقاتی کارگران ایران و جهان است. اتحادیه ها ظرف بسیج و تمرکز قوای طبقاتی توده های کارگر نبوده نیستند و در هیچ کجای دنیا هیچ سطحی از قدرت اعتراض و پیکار کارگران علیه سرمایه داری را نمایندگی نمی کنند. این واقعیتی است که هیچ سندیکالیست آهنین ایمانی نمی تواند عکس آن را اثبات کند. نقش اتحادیه ها در همه جا و در بهترین حالت، حل و فصل مبارزه طبقاتی جاری میان سرمایه و کار به نفع بود و بقای شیوه تولید کاپیتالیستی، به نفع

استمرار و جاودانه سازی تمکین طبقه کارگر به قوانین و ملزومات استیلای نظم تولیدی و سیاسی سرمایه است. اتحادیه ها حتی ورود به همین قلمرو یا استقبال از پذیرش نقش میانجی در حل و فصل مجادلات طبقاتی بین کارگران و بورژوازی را تنها زمانی در دستور کار خویش قرار میدهند که تعادل قوای موجود میان پرولتاریا و سرمایه ناقوس انسداد مجاری تولید اضافه ارزش یا اختلال پروسه انباشت این یا آن بخش سرمایه را بصدا در آورده است. در چنین موقعیتهائی است که آنها به میدان میآیند نه بر این بنیان که قدرت پیکار کارگران را سلاح تحمیل مطالبات آنان بر بورژوازی سازند، بلکه صرفاً به این خاطر که خطر خروج جنبش کارگری از دلانهای تیره و تاریک نظام سیاسی و مدنی سرمایه داری را رفع کنند. در هم شکستن ظرفیت انفجار و نیروی پیکار ضد کار مزدی کارگران در قبال عقب نشینی های هیچ و پوچ سرمایه داران یا دولت آنها بارزترین و واقعی ترین نقشی است که از دخالت اتحادیه ها در پیش روی ماست. فونکسیون واقعی اتحادیه ها در رابطه با مبارزه طبقاتی میان پرولتاریا و سرمایه چنین است. آنچه این نهادها در سطح جهانی حول مسأله دستگیری و محاکمه فعالین جنبش کارگری انجام داده اند، نیز از این حد تجاوز نکرده است. ترجیح بند تمامی اطلاعاتی که در نامهای آنها در خطاب به دولت بورژوازی ایران این بوده است که بهتر است مصالح عمومی سرمایه داری و شرط و شروط ماندگاری این نظام را کمی عاقلانه تر تعمق کند. «گای رایدر» در همه نامه هایش اهمیت نیاز دولت اسلامی به رضایت خاطر سازمان جهانی کار یا همان بخش امور کارگری صندوق بین المللی پول را یادآوری می کند و انطباق پروسه کار بیدادگاههای دولت بورژوازی با مصالح و منویات سراسری سرمایه جهانی را هشدار می دهد. برد تأثیر این عریضه پردازی ها برای هر کسی که گوش و چشم و عقل و اندیشه خود را با عشق به جاودانگی بردگی مزدی قفل نکرده باشد بسیار روشن است. ایفای یک رسالت دیوانسالارانه توسط یک نهاد اجتماعی نظم تولیدی و «مدنی» سرمایه داری که قرار است حق انتقاد و اعتراض کارگران را در چهارچوب وفاداری طبقه کارگر به میثاق کار مزدی نمایندگی کند و با رعایت تمامی صلاحیتهای و صوابیهای متناظر با منافع سرمایه اجتماعی این کشور و آن کشور پیرامون حق و حقوق کارگران لب به سخن گشاید!!! تنها انسانیهائی که اندیشیدن با سر بورژوازی را شالوده استوار زندگی خویش ساخته اند می توانند در زیج توهمات منجمد خویش به رصد کردن آثار این عریضه ها دل خوش باشند. واقعیت این است که میلیونها از این نامه پراکنی ها هیچ سرموئی از مشکلات کارگران کشورها یا امر آزادی رفقای کارگر ما در ایران را باز نکرده و نخواهد کرد.

به بررسی سؤال دوم بپردازیم. اگر رجوع به اتحادیه ها پل بستن برای عبور از قدرت کارزار طبقاتی به نفع سرمایه است پس راه حل رادیکال طبقاتی کدام است؟ پاسخ بسیار ساده و روشن است. باید به توده های کارگر دنیا رجوع کرد، راه حلی که سنت کار جنبش ضد سرمایه داری کارگران دنیا، سنت انترناسیونال اول و شاخص طبیعت انترناسیونالیستی پیکار طبقاتی کارگران است. این راه حل تاریخاً توسط سندیکالیستها از یکسوی و فرقه گرایان از سوی دیگر طرد و نفی شده است اما طبقه کارگر در مصاف با بورژوازی هیچ گریزی از پذیرش و پیگیری و اعمال آن ندارد. قدرت طبقه کارگر در بطن سرمایه ستیزی وی نهفته است. جنبش توده های کارگر بطور خودانگیخته و فی نفسه چنین است. باید به این جنبش روی آورد. کارگران در سراسر دنیا و بطور لحظه به لحظه با نظام سرمایه داری در جنگ و ستیزند. در همین روزهای که رفقای ما در ایران به جرم برگزاری مراسم اول ماه در بیدادگاههای دولت بورژوازی محاکمه می شوند، طبقه کارگر آلمان روز آغاز هر هفته برای سر دادن فریاد اعتراض علیه تهاجمات توحش بار بورژوازی به تظاهرات وسیع خیابانی می پردازند. جنبش کارگری امریکا برگزاری

تظاهرات چند میلیونی را در دستور کار خود دارد. کارگران هلند اعلام داشته اند که در مصاف با بورژوازی به شیوه کار همزنجیران آلمانی خویش متوسل خواهند گردید. مبارزات گسترده کارگران کانادا اگر چه در سنگلاخ جنبش اتحادیه ای زمینگیر شده است اما مطالبات عاجل تحقق نیافته اش چاشنی انفجارهای آتی است. در ایتالیا، فرانسه، اسپانیا و در همه جا طبقه کارگر زیر فشار شدت استثمار و بیحقوقی کاپیتالیستی، جان به لب، در حالت عصیان است. یک ویژگی بارز جنبش کارگری اروپا و امریکا در شرائط موجود نارضائی عمیق کارگران از اتحادیه ها، جستجوی راه خروج از داربست اتحادیه گرائی و نشان دادن آمادگی برای ستیز رادیکال و مصمم علیه سرمایه داری است. اعتراض علیه محاکمه رفقای کارگر ما در ایران باید با مبارزات جاری طبقه کارگر این ممالک، با جنبش ضد سرمایه داری کارگران دنیا در آمیزد. این کار در گرو آنست که فعالین جنبش کارگری ایران در کشورهای اروپائی، امریکا، کانادا و هر جای دیگر دنیا، فعال جنبش ضد سرمایه داری کارگران این کشورها باشند. آیا این کار غیرممکن است. به هیچوجه چنین نیست. دلدادگان جنبش سندیکالیستی هم اینک در عداد فعالین اتحادیه ها در ممالک محل کار و زندگی خویش هستند. شمار زیادی از ایرانیان متعلق به طیف نیروها و احزاب بورژوائی از محافظ کار و راست راست گرفته تا سوسیال دموکرات و چپ و محیط زیست به جرگه فعالین این گرایشات و احزاب پیوسته اند. کسانی که موافقت سران اتحادیه ها را برای نوشتن عریضه به خاتمی جلب نموده اند نیز در درون بوروکراسی اتحادیه ای همراهان و اقارب گرایشی خود را دارند. در این میان حادثه ای که اساساً اتفاق نیافتاده است رویکرد فعالین چپ و کارگری در خارج کشور به سنگر مبارزات جاری ضد سرمایه داری در سطح جهانی است. چیزی که بهیچوجه رخ نداده است حضور این فعالین در درون جنبش کارگری کشورها به مثابه عضوی از این جنبش و با راهکارها و راهبردهای جنبش ضد کار مزدی است. بسیاری از ما سخن از این می گوئیم که اگر در قلب جنبش کارگری ایران بودیم چنین و چنان می کردیم اما معلوم نیست چرا پس از دو دهه فروشنده نیروی کار و عضو طبقه کارگر انگلیس و فرانسه و آلمان و امریکا و کانادا و هلند و جاهای دیگر بودن قادر به پیشبرد هیچ کاری در جنبش کارگری این کشورها نیستیم. یک نکته روشن است. موقعیت ضعیف، بی افق، متشتت و بی سازمان جنبش ضد سرمایه داری کارگران، زمینگیر بودن این جنبش در زیر فشار راه حلهای سندیکالیستی و سوسیال بورژوائی نقش مهمی در فروماندگی ما برای داشتن نقش فعال در مبارزات جاری ضد سرمایه داری توده های کارگر دنیا بازی می کند اما در کنار این مؤلفه، دو عامل اساسی دیگر سندیکالیسم و فرقه گرائی نیز همسان دو تیغه تیز یک قیچی زمینه ایفای هر نقش فعال ضد کار مزدی و ضد سرمایه داری در جنبش کارگری کشورها را مقراض کرده است. نشستن در برج عاج سکت حزبی و گروهی و تاریخ و مبارزه طبقاتی و جنبش کارگری و کمونیسم و همه چیز را در حصار سکتها محصور کردن، هیچ جایی برای احساس نیاز به فعال جنبش جاری ضد سرمایه داری بودن یا اساساً قبول موجودیت این جنبش باقی نمی گذارد. برای سندیکالیستهای کمونیست نما و اتحادیه گرایان نیز جنبش کارگری در خارج از داربست اتحادیه پدیده ذی وجودی نیست. به هر حال نیروهای مدعی هوادار جنبش کارگری و کمونیسم با پرس شدن در میان چرخ دنده های این دو تندیس در وضعیت ویژه ای قرار گرفته اند. مشخصه این وضعیت این است که آنان به هر حال فعال جنبش ضد سرمایه داری توده های کارگر هیچ کجای دنیا نیستند. برای طبقه کارگر همه کشورها موجودات ناآشنا و عجیب الخلقه ای بحساب میآیند، چنین کسانی طبیعتاً قادر به جلب حمایت جنبش کارگری هیچ کشوری از مبارزات طبقه کارگر ایران نیز نیستند. ترتیب دادن آکسیونهای چند و جبی بدون حضور هیچ

کارگری از تودهٔ عظیم کارگران جامعهٔ محل سکونت یا آویختن به سران اتحادیه‌ها تنها طریق ابراز نقش اجتماعی و اپوزیوسیونی آنان در کار حمایت از طبقهٔ کارگر ایران یا اعتراض به کشتار و زندان و دستگیری و محاکمهٔ فعالین کارگری است. این وضعیتی است که چپ ایران در خارج کشور با آن مواجه است و این وضعیت منشأ و مبنای هیچ نوع حمایتی از مبارزات طبقهٔ کارگر ایران یا اعتراض به جنایت بورژوازی علیه جنبش کارگری ایران نمی‌تواند باشد. اگر بناست دست در دست کارگر ایرانی داشته باشیم، اگر بناست فردی از جنبش کارگری ایران باشیم، اگر بناست همدوش کارگران ایران علیه سرمایه‌داری پیکار کنیم باید در درون جنبش کارگری جامعهٔ محل سکونت و نه در اتحادیه‌ها، نه در گورستان جنبش جنبش ضد سرمایه‌داری، نه همزمانی مأموران کفن و دفن جنبش ضد کار مزدی طبقهٔ کارگر بلکه همصدا، همدوش و هم‌رزم با توده‌های معترض به استثمار و توحش و جنایات بردگی مزدی فعال جنبش ضد سرمایه‌داری توده‌های کارگر کشورها باشیم. اگر قرار است علیه محاکمهٔ رفقای کارگر ایران در بیدادگاه‌های دولت بورژوازی کار مؤثری انجام دهیم باید حمایت جنبش ضد سرمایه‌داری توده‌های کارگر دنیا را با خود حمل کنیم. باید به طبیعت انترناسیونالیستی جنبش طبقاتی توده‌های کارگر دنیا رجوع نمائیم، باید برای عروج همبستگی انترناسیونالیستی جنبش کارگری با چنگ و دندان و در هر مقیاس ممکن سنگی بر روی سنگ بگذاریم. ما می‌توانیم عرصه‌های زیرین کار را فعال، مسئولانه، خارج از تعبد فرقه‌ای و آزاد از تحجر سندیکالیستی با هم به گفتگو نشسته و مجاری توسعهٔ عملی و جنبشی آنها را موضوع فعالیت روزمرهٔ خود سازیم.

۱. تلاش برای جلب اعتراض بین‌المللی کارگران علیه محاکمهٔ رفقای کارگر ایرانی را به سنگ بنای یک تحرک پیگیر و ادامه‌دار انترناسیونالیستی و ضد سرمایه‌داری مبدل سازیم. برای این کار، در مراکز کار و زندگی خویش، در شهرهای مختلف دنیا، بجای پای فشاری بر سنت سکت‌سالاری و محبوس ماندن در روابط گروهی و محفلی بازمانده از دوره‌های گذشته، بجای آویختن به سندیکالیسم و اتحادیه‌های سرمایه‌سالار کشورها، با فعالین جنبش کارگری کشورها دست در دست بگذاریم و همراه آنان سلولهای زنده و فعال و مبارز جنبش انترناسیونالیستی ضد کار مزدی طبقهٔ کارگر را بر پای داریم.

۲. بر اساس یک برنامه ریزی جمعی در روزهای معین روانهٔ مراکز مختلف کار و تولید در هر شهر و دیار شویم. فقط به مراکز صنعتی اکتفاء نکنیم، هر کجا که تودهٔ فروشندهٔ نیروی کار حضور دارد همانجا نقطهٔ بسیار مناسبی برای رجوع ماست. به مدرسه‌ها، بیمارستانها، کارخانه‌ها، روزنامه‌ها، چاپخانه‌ها و به همهٔ مراکز تجمع مردم کارگر مراجعه کنیم. اگر ما را راه نمی‌دهند که یقیناً در بسیاری جاها چنین است، مقابل ورودی و خروجی این مراکز بست بنشینیم و مصرانه خواستار حضور در میان توده‌های کارگر بعنوان هم‌زنجیران طبقاتی خویش و گفتگو با آنها گردیم. در بحث با کارگران مطلقاً به افشاگری در بارهٔ توحش رژیم اسلامی بسنده نکنیم، کل نظام بردگی مزدی را آماج اعتراض قرار دهیم، فشار استثمار کاپیتالیستی، بیحقوقی و سیه‌روزی کارگران در نظام سرمایه‌داری و فقر و گرسنگی و فلاکت و فحشاء و اعتیاد و زندگی ذلت‌بار کارگر ایرانی در چنگال نظام انسان ستیز بردگی مزدی را با کارگران در میان بگذاریم. از مبارزات کارگران ایران، از رخدادهای حول و حوش اول ماه مه، از نقش‌گرایش ضد کار مزدی در جنبش وسیع طبقهٔ کارگر ایران، از کشتار کارگران خاتون آباد، از دستگیری رفقای کارگر در روز جهانی کارگران و از محاکمهٔ آنان در بیدادگاه‌های جنایت و شرارت نظام کاپیتالیستی حرف بزنیم. به کارگران اعلام کنیم که همگی آحاد یک طبقهٔ اجتماعی و بین‌المللی هستیم، همه

زیر فشار استثمار و توحش سرمایه داری از هستی ساقط شده ایم، از آنان بخواهیم که ما را همزمان ضد سرمایه داری خود بدانند و با ما در اعتراض علیه شرارت سرمایه، علیه محاکمه رفقای کارگر ایرانی همصدا شوند.

۳. مبارزات جاری کارگران آلمان و هلند یا تظاهرات روزهای آتی کارگران امریکا، رخساره های خروج جنبش کارگری کشورها از داربست پوسیده جنبش سندیکالیستی است. شیوه تولید سرمایه داری زیر فشار تناقضات ذاتی بازتولید و خودگستری خود به فاز نوینی از انحطاط و سببیت پا نهاده است. اتحادیه ها یا باید به ظرف همگن تمامی اشکال توحش و جنایت سرمایه علیه کارگران تبدیل شوند و یا در غیر این صورت باید راه زوال را در پیش گیرند. در هر دو حالت فعالین جنبش کارگری جهانی ناگزیر به تعیین تکلیف با جنبش سندیکالیستی هستند. اتحادیه ها بعضاً در آلمان و هلند به سایه مبارزات کارگران می آویزند اما این کار آنان نه همدلی با جنبش کارگری که تلاشی فرصت طلبانه برای حفظ موقعیت خود در ساختار نظم سرمایه است. ما باید به میزان توان خویش در مبارزات کارگران این کشورها شرکت کنیم. باید از طریق مشارکت فعال بر جهتگیری ضد کار مزدی این مبارزات تأثیر بگذاریم. در همان حال و در متن این همپیوندی و همزمی باید که برای جلب اعتراض بین المللی کارگران علیه محاکمه رفقای کارگر در ایران و برای آزادی بی قید و شرط این رفقا تلاش نمائیم.

۴. بالاتر گفتیم که اعتصابات کارگری را اتحادیه ها راه نمی اندازند. آنان زیر فشار خطری که جنبش کارگری برای سرمایه داری می آفریند و با هدف کنترل این خطر به مبارزات کارگران ملحق می گردند. در همین راستا ما باید از طریق شرکت گسترده در پیکار کارگران، از طریق جلب حمایت آنان از آزادی بی قید و شرط رفقای کارگر ایرانی فشار حمایت انترناسیونالیستی کارگران از جنبش کارگری ایران را بر روی ساختار قدرت اتحادیه ها سرشکن سازیم. باید زیر فشار اعتراضات وسیع انترناسیونالیستی کارگران از کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری بخواهیم که در اعتراض به محاکمه رفقای کارگر و با هدف تضمین آزادی بی قید و شرط آنها فراخوان یک اعتصاب کوتاه سراسری کارگران دنیا در یک ساعت معین را صادر نماید.

۵. تلاش کنیم تا سلولهای کارگری ما در مناطق مختلف دنیای موجود در درون یک ساختار شورائی، انترناسیونالیستی و ضد سرمایه داری بر بستر مشارکت مؤثر و فعال در جنبش روزمره توده های کارگر دنیا با هم متحد و همزم و همپیوند شوند.

۶. در شرائط حاضر جنبش کارگری بین المللی بیش از هر زمان دیگری فشار یک دوگانگی دهشتبار فرساینده را بر کرده خود حمل می کند. کارگران اروپا، امریکا، کانادا، استرالیا و پاره ای مناطق دیگر عاصی از فشار استثمار و بیحقوقی و توحش سرمایه داری درگیر جنگ و ستیز با بورژوازی هستند اما مبارزات آنها بشدت و بگونه ای رقت بار توسط اتحادیه ها مهار میشود و از سمتگیری ضد کار مزدی و ضد سرمایه داری بکلی پالایش می گردد. جنبش کارگری باید بر این دوگانگی غلبه کند. اتحادیه ها در هیچ کجا شروع کننده مبارزات یا آغاز کننده اعتصابات نیستند، مبارزات و اعتصابات از سوی توده های کارگر بر اتحادیه ها تحمیل میشود. با شعله ور شدن آتش خشم کارگران علیه مقاومت ضد بشری سرمایه داران اتحادیه ها با تمامی قدرت برای فرونشاندن این آتش دست بکار می گردند. سلولهای کارگری انترناسیونالیستی و ضد سرمایه داری ما باید ماهیت سرمایه سالار جنبش اتحادیه ای را برای توده های کارگر آناتومی کند و بدیل طبقاتی کارگران در مقابل سندیکالیسم یعنی جنبش شورائی ضد کار مزدی را طرح کند و توضیح دهد.

۷. پایان دادن به کار مزدوری، تسلط شورائی مستقیم، مؤثر و نافذ آحاد کارگران بر پروسه کار و تولید و سرنوشت محصول کار، شعار فراگیر و پایه ای و راه حل بنیادین و در عین حال عاجل ما در جنبش کارگری خواهد بود. فعالیتهای آگاهگرانه، تبلیغی و افشاگرانه ما باید همه جا حول توضیح سرنوشت محصول کار و تولید حی و حاضر توده های کارگر در نظام کاپیتالیستی و متقابلاً بدیل سوسیالیستی و کارگری عینیت سرمایه داری سمت گیرد. طرح بهداشت و درمان رایگان، آموزش رایگان، ایاب و ذهاب رایگان، مهد کودک رایگان، مسکن رایگان و تضمین یک زندگی مرفه و شرافتمندانه انسانی، بدون هیچ قید و شرط کار برای همه آحاد بشر باید توسط سلولهای انترناسیونالیستی پیکار ضد سرمایه داری ما در درون جنبش کارگری جهانی هر چه وسیعتر تبلیغ گردد. محتوای نوشته ها، روزنامه ها و همه گفت و شنوهای ما باید بر روی توضیح آماری، کنکرت و مدلل امکان پذیری این انتظارات در دنیای موجود متمرکز گردد. اینها مطالبات برحق و ممکن الحصول توده های کارگر در سراسر دنیاست. پیکار جهانی برای تحقق این مطالبات مشترک پایه آهنین اتحاد بین المللی در جنبش جاری و روزمره طبقه ماست. همراه با مشارکت فعال در جنبش کارگری کشورها، ریاضی و مستند نشان دهیم که سرمایه داری تنها و تنها مانع سترگ تحقق این انتظارات و تنها سد سر راه ریشه کن سازی فقر و محرومیت و تبعیضات جنسی و قومی و جنگ و نسل کشی و تمامی سیه روزیهای بشر است.